پرچم

ناشر اندیشه های دموکراتیک خلق افغانستان

عمر فیض- کلکسیون پرچم اهدا برای آن هایی که پرچم مبارزه را به زمین نگذاشته اند

شماره(سی وپنجم) دوشنبه ۲۰عقرب ۱۳۴۷ هـ ۱۱نومبر ۱۹۶۸

داکتوبر دستر سوسیالستی انقلاب

دیو پنځوسم تلین په مناسبت

د اکتوبر ستر سو سیا لستی انقلاب ددی پیړی ددیری ستر ی حادثی له پنځو سم تلین نه یو کال تیرشو . اوس شوروی خلك دسترو بریو په شرائطو کښی داکتوبر د سوسیا لستی سترانقلاب یوپنځوسم کال لمانځی او د لو مړنی مترقی او مرفه ټولنی د مادی او فنی بنسټ دجوړ ولو پر لوری وړاندی ځی .

یو پنځو س کاله د مخه د ۱۹۱۷ په اکتوبر کښی د روسیی پرولتاریا دخپل کمو نست (بلشو یك) گوند او د هغه په سرکی د لنین تر لار ښوونی لاندی تاریخی جهانی بری تـه ورسید او د خلکو دکر کی وړ فیوډالی اوسرمایه داری استثمار- گراو ستمگر نظام یی له منځه یووړ او شوروی دولت یی دځمکی پـه شپږمه برخه کښی بر قرار کړ او د- لومړی ځل لپاره په‌تاریخ سوسیالستی هیواد مینځ ته راغی او له سر مایه داری نه یی سو سیا لیزم ته دبشری ټولنی تیر یدل شروع کړل .

د اکتوبر دستر انقلاب بری په نړی باندی د امپر یا لیزم بی رقیبه یکه تازی پای ته ورسو له‌او دآزادی او ملی استقلال په لاره کښی یی د- ترستم لاندی ملتونو دمبارزی لپاره ډیر امکانات هست کړل. دسوسیالیزم بری په شوروی اتحاد کښی چه د جوړیدو نقشه‌یی لنین په دا هیا نه توگه ترسیم کړه ، ورو سته پاتی روسیه په‌یوه لوی‌صنعتی هیواد، د- علم او فن او انجنیری په یو لومړنی هیواد بدله کړه ، او دی چاری په ستره وطنی جگړه کښی په هتلری آلمان باندی د شوروی اتحاد بـری تامین کړ او په اروپا اوآسیا کی د- جهانی سوسیا لستی سیستم موجب او دکار گری جهانی نهضت او د ملی آزادی بخښو نکی ضد امپر یالستی نهضت لپاره کلك سنگر شو .

د اکتوبر دستر سو سیا لستی انقلاب او زموږ دآزادو اوقهر مانو خلکو دوسله ایز قیام متقابل تاثیر د آزادی او استقلال لپاره یو تاریخی واقعیت دی. دواړه گاونډی هیوادونه لومړنی هیوا دو نه وو چه د یوبل ځوان،ملی‌او مترقی دولتونه یی په رسمیت وپیژندل او د افغانستان او شوروی اتحاد دخلکو تـر منځ دوستانه مناسبات مینځ ته راغلی‌دی. شوروی اتحاد حتی پخوا تر دی چه په افغا نستان کښی د استقلال غوښتو نکی مبارزه شروع شی ، (٤مخ)

ببرك کارمل

مسایل جنبش محصلان

کشور ما

جنبش‌های موجود محصلان‌کشور ایجاب طرح جدی‌مسایلی‌رامینماید که‌حل نظری وعملی آنها بخاطراتحاد وهمبستگی محصلان و برای رشد بعدی جنبش ضرورت حتمی پیدا کرده است . تجربه نشان میدهد که محصلان‌افغانستان باوجودماهیت‌طبقاتی‌غیر کارگری و غیر دهقانی خو یش‌دارای خصو صیات پیکار جو ئی و تمایلات‌ضدامپریالیستی ودموکراتیک‌می‌باشند. این خصو صیات محصلان(اگرچه آنها اکثراً از طبقهٔ مالک و بورژوا ، مرفه‌الحال ومتو سط‌بیرون می‌آیند) محصول کشورهای‌نیمه مستعمره و نیمه فئودالی‌بشمار میرود. بهمین جهت است که‌دراکثرکشور های کم رشد ، منجمله کشورما، قشرمحصلان باوجود کوچکی‌آن نقش قابل توجهی را درمبارزات‌خلق‌ایفا می نمایند وحتی درمرحلهٔ معینی‌از مبارزه در صف اول جنبشها ی ملی گام مینهند .

متعلمان ومحصلان افغانی ازهمان‌بدو پیدایش خود تاکنون درمبارزات‌خلقهای کشور ما همیشه درصفوف نیروهای‌ملی ومترقی علیه استبداد،ارتجاع ، استعمار مبارزه کرده و سنتهای قهرمانانه وافتخار آمیزی را ازخود بیادگار گذاشته اند ، ازاینجاست که‌نباید به‌نقش محصلان‌در جنبش کم‌بها داده شود .

تجربیات گذشته مبین این حقیقت‌دردناك است کـه هیأت حا کمه افغانستان ، بخصوص جناح‌راست ارتجاعی آن ، بعضی‌وقت از یکسو با شیوهٔ بیرحمانه‌ئی‌در برابر جوانان و محصلان کشو ر برخورد کرده‌اند واز سوی دیگر به‌وسیلهٔ سلاح تحریك وتفتین ، نفاق‌افگنی واخلال گری درمیان صفو ف محصلان‌باعث‌تضعیف‌اتحادوهمبستگی جنبش گردیده اند . ازاینجاست‌که‌برای خنثی ساختن این سلاحهای استبدادی، ارتجاعی واستعماری‌باید‌محصلان آگاه‌وطنپرست افغانستان‌دربارهٔ‌جدی‌برخورد کنندو بخاطر پیروزی در جنبش هرچه زودتر وبهتر به‌حل مسایل زیرین که جنبش محصلان با آنها روبروست و مابااختصار بیان‌میداریم ،بپردازندو به پـرا گـنـد گی و تشتت د رمیان خود ودر جنبش‌خاتمه دهند واز تجارب تلخ و شیرین گذشته درس‌بگیرند .

اتحاد وهمبستگی :

پرواضح است که‌در هرجنبش‌و نهضتی عنصر اتحاد و همبستگی‌شرط عمده وضامن کامیا بی ا ست. تجارب چند سال اخیر کشور نشان میدهد کـه وقتی محصلان‌کشور در فعالیت‌هـای صنفـی و سیاسی متحد بوده اند،جنبش گام‌به گـام بـه پیش رفته وهنـگـامـی‌که نفاق ، بی اعتمادی وفتنه‌انگیزی درصفوف محصلان ر خنه کرده ، جنبش اعم ازاینکه به شکل‌اعتصاب ویا تظاهر ومیتنگ بوده، بشکست مواجه شده‌و ارتجاع به حمله متقابل دست زده است . بنابراین حقیقت تلخ وناگوار است که از همه زودتر و مهمتر مسالهٔ اتحاد محصلان با جدیت و قاطعیت تمام مطرح‌بحث قرار میگیرد. معلوم است که تنهـا دادن شعار اتحاد کافی نیست ،باید در جستجوی راهها ووسایل نیـل به اتحاد بود و بـرای اتحاد نیز مبارزه کرد .

بعقیدهٔ ما عمده ترین و ضروری‌ترین وسیلهٔ اتحاد در شرایط کنونی تشکیل سازمان دموکراتیك‌محصلان (اتحادیهٔ محصلان) است .

اتحادیهٔ محصلان :

باید اذعان کرد که مسأله اتحاد و همبستگی محصلان و تشکیل اتحادیه محصلان با مشکلات‌زیادی مواجه است. این مشکلات بیشتر از ترکیب قشری و طبقاتی‌گوناگو ن محصلان و نظریات سیا سی ومسلکی متفاوت آنان سر چشمه میگیرد . محصلان آگاه ووطنپرست کشـور چندین مرتبه سعی کردند تا اتحادیهٔ محصلان پوهنتون کابل را تا سیس کنند . ولی بنابر اختلافات سیاسی وطر حهای افراطی مسایل سیا سی درمـرا منامه واساسنامه اتحا دیهٔ مواجه به‌شکست گردیده‌اند. از این جاست که عملیهٔ نیل بـه اتحاد و تاسیس اتحادیـه تـاکنون مغلق ودشوار بوده و بـه مشکلات مواجه می‌باشد.

لذا ضرورت و مصالح جنبش حکم مینماید که برای رفع این مشکلات محصلان کشور برای نیل بـه ایجاد اتحادوتشکیل اتحادیه‌خویش به‌نکات زیرین توجه نمایند .

ــ برای رسیدن به اتحاد اولتراز همه واقع بینی ، برخورد علمی و منطقی به مسایل ، متانت، شکیب (ص۲)

زنده باد اتحاد وهمبستگی

محصلان کشور

اعتصابات وتظاهرات محصلان پوهنتون کابل ادامه دارد



یك صحنه از تظاهرات

از هفتهٔ گذشته تا کنون که این‌خبر را بچاپ می‌سپاریم ،اعتصابات‌و تظاهرات بر شورو با شکوه محصلان پوهنتون، توام بامیتنگهـا و بیانیه های آموزنده و علمی‌با اتحاد و همبستگی بی سابقهٔ ، با اشتراك سایر قشر های مردم ،علیه قوانین پوهنتونها و معارف‌ادامه داشت . تظاهرات در انتهای نظم‌ودسپلین وهمبستگی، که‌نمونه‌ئی‌ازرشد وپختگی سیاسی واجتماعی،محصلان‌وجوانان‌افغانرا نشان‌میدهد، صورت می گیرد .

افکار عامه مردم افغانستان، قانونیت تظاهرات محصلان پوهنتون‌را تائید می نماید .

-۲-

نگاهی به پلانهای اقتصادی افغانستان

واصول پلانگذاری علمی

برطبق‌این‌ادعای‌بی‌اساس‌که ساختمان «زیربنای» جامعه افغانستان به پایهٔ تکمیل رسیده است و اکنون باید سرمایه‌گذاری ها (بیشتر به اتکای سرمایه گذاری‌های خصوصی)متوجه «پروژه های سریع‌الثمر اقتصادی » گردد ، در پلان سوم در نظر گرفته نشده تا از امکانات بالقوه جدیدیکه باتطبیق دو پلان گذشته پدید آمده است، برای رشد سریعتر اقتصاد و تقویت بیشتر ساختمان بنیانی‌جامعه استفادهٔ صحیح بعمل آید .

تبلیغات دامنه داری در بارهٔ‌اهمیت این پلان برای رشد اقتصادی‌کشور و بهبود رفاه عمومی هنگام طرح آن بکار افتاد، ولی اکنون که در نیمهٔ دوم سال دوم «اجرای» این « پلان » قرارداریم کدام «بهبودی» بملاحظه نرسیده است .

بدینجهت از ابتدای امر ، این پلان بنابر سطحی بودن آن ، مورد انتقاد و اعتراض نیروها و عناصر دموکراتیك و ملی و بخصوص نیروی ترقیخواه دموکراتیك خلق‌افغانستان و فراکسیون پارلمانـی آن قرار گرفت و تعدیل آن را خواستار شد. تااینکه حکومت مجبور گردید آنرا مورد «تجدید نظر» قرار دهد کـه نتیجه هنوز معلوم نیست . (پلان پنجسالهٔ سوم ، بخصوص منابع‌مالی آن در مقالهٔ « یك نظر اجمالی بر منابع مالی‌پلان سوم‌کشور » منتشرهٔ درشماره های چهارم و پنجم پرچم علماً کرتیك شده است ، بآن‌مراجعه فرمایند) .

ــ مشخصهٔ عمدهٔ پلانگذاری است که باید تناسبات لازم ومعینی بین سکتور های مختلف اقتصاد ملی تامین گردد و هماهنگی ممکن بیـن تولید و مصرف ایجاد شود ، امادر طرح پلان پنجسالهٔ سوم مخصوصاً این پرنسیپ اساسی در نظر گرفته نشده است . مثلا یکی از نتایج عدم «منظوری» پروژه های بزرگ ساختمانی در پلان سوم اضافه‌تولید سمنت در کشور میباشد . اکنون دو فابریکه سمنت مجموعاً بظرفیت تولیدی ۱۶۰ هزار تن سمنت درسال پس از تکمیل پروژه هـای بزرگ پلان‌دوم‌قادر بفروش‌نیمه‌ئی ازسمنت تولیدی خود نمیباشند و یکی آن از مدتی باینطرف تعطیل گردیده است، علی هذا لقیاس .

ــ پلانگذاری باید شرایـط مساعدی‌رابرای‌رشد نیروهای مولده بمقیاس سر تا سر کشور و استفادهٔ معقول و کامل از قوای انسانی‌درتمام ساحه های اجتماعی و اقتصادی ، ایجاد نماید . در حالیکه در کشور ما صدها هزار کارگر مستعد و آماده بکار، بخصوص درحدود هشتادهزار کارگر ماهر و نیمه ماهر در ده ها رشته مختلف و مغلق تولیدی و ساختمانی، پس‌از تکمیل پروژه های بزرگ ساختمانی پلان دوم ، اکنون لشکر بیکاران را تشکیل میدهند ، بلاتکلیفندو روزبروز بر تعداد آنها افزوده میگردد که این‌بیکاری‌نمایندگی ازسطح پائین تولید ، ضعف وکندی رشد اقتصادی کشور مینماید .

ــ پلانگذاری وظایف مشخصی را برای رشد اقتصاد ملی در برابر جامعه قرار میدهد ، از قبیل افزایش سطح تولیدات داخلی ، اعمار زراعتی وصنعتی ، حمایه آن در برابر اموال خارجی وتنظیم امور تجارت داخلی وخارجی وغیره .

به همگان معلوم است که تعقیب سیاست غلط تجارتی درهای باز ، عدم حمایه دولتی از صنایع داخلی ، فرار اسعار ، ترویج‌روزافزون‌قاچاق، خیانتها و چپاولگری هـای دهها نمایندگی انحصارات غارتگر امپریالیستی وصدها تاجر خارجی وتجار داخلی دلال امپریالیزم (کمپر ادور)، موجودیت دسایس و سوء استفاده‌های گوناگون در صادرات اموال داخلی... وغیره همه عواملیست کـه در برابر رشد اقتصادی کشورموانع بزرگی میباشند .

ــ درپلانگذاری آگاهانه ، تنظیم تولید بشکل تخیلی صورت گرفتـه نمیتواند . مثلا ما نمیتوانیم‌فابریکات رابدون تدارك مواد خام احداث‌نمائیم ویادر پلان سالانه بسادگی رقمی را بگنجانیم ، مانند ده مرتبه افزایش در تولید پاپوش درصورتیکه‌امکانات (ص۳)

دپاکستان «دجنگ» دورځپانی دغلطو

شایعاتو تردید

له پیښور نه اطلاع را غلی ده‌چه دپاکستان د «جنگ»اخبارد‌چهارشنبه دورځی داکتوبر ددیرشمی نیټی په گڼه کی داسی لیکلی دی‌چه: «په افغانستان کی دخان عبدالغفار خان داعتراض وړ فعالیتونو په مقابل‌کی سختی مظاهری شوی دی ... مظاهره کوونکو د افغانستان له حکومت نه غوښتنی دی چه خان عبدالغفار له افغانستان نه ژر تزره وباسی... دافغانستان خلك د ا پښتونستان له مسألی سره علاقه نلری..دافغانستان‌دووجریدو«پرچم» او «افغان ملت» په خپلو خپرونوکی دخان عبدالغفار خان پـه لمسونـکو فعالیتونو باندی سخت انتقاد کړ ی دی او ...دغوجریدولـه حکومت څخه غوښتنی کړیدی‌چه‌خان‌عبدالغفارخان په فوری ډول لـه افغانستان نـه وباسی...» .

پرچم «دجنگ»دنمایندهٔ‌دغه‌طفلانه اوبی شرمانه دروغ په کلکه سره ردوی . په افغانستان کـی د خان عبدالغفار خان په‌مقابل کی‌هیڅ‌چیری، هیڅ ډول مظاهره نـه‌ده شوی. د افغانستان خلك دپښتونستان دملی مشر وجود نه‌په خپل هیواد کی په درنه سترگه گوری او لمانځنه ئـی کوی . دافغانستان ټول مترقی او وطن پرست خلـك د پښتـونستان موضوع یوه عادلانه‌او دحق تعیین سرنوشت پراساس مسأله گڼی ،چه بایددپښتونستان دخلکو له غوښتنی سره سم حل‌شی. پرچم په‌خپلو بیلو بیلو گڼو دپښتونستان‌دحق دمطالبی ښینگ ملا تړ کړی‌او کوی ئی. دپرچم ملگری‌به اولسی‌جرگه کی‌اوله‌اولسی جرگی نه‌دباندی دپښتونستان دپاره مبارزه دخپلی ملی‌اوبین‌المللی‌وظیفی جزء گڼی او دپاکستان دتبلیغاتی مناباعودغه له‌حقیقت نه‌لری پروپاگند سخت غندی او پدغی وسیلی خپله کلکه خواشینی څرگندوی.

پرچم

د افغانستان د خلک دموکراتیک افکارو خپرونکی

۲۰ عقرب ۱۳۴۷

م.ا. خیبر

قطع بمباران ویتنام

پیروزی جنگ عادلانه خلق ویتنام

با لاخره ایالات‌متحدهٔ امریکا قبول کرد که بعدا ز سه سال‌ونه‌ماه دربرابر ارادهٔ‌شکستنی وخلل‌ناپذیر خلق قهرمان ویتنام سر تسلیم فرود آورد. بمباران هوا یی ودیگر عملیات نظامی خود را از خشکه و بحرعلیه جمهوری دمو کرا تیك ویتنام قطع نما ید . همچنان امریکا موافقه‌نموده که نما یند گان‌جبهه آزادی‌ملی‌ویتنام‌جنوبی و رژیم سیگون‌نیزدرمذا کرات صلح پا ریس ا شتراك ور زند . این‌اقدام که. جنگ‌ویتنام ومذاکرات‌صلح پاریس را بمرحلهٔ جـدیـدی واردمی‌نماید ،موفقیت بزرگی برای مرا م صلح‌وپیروزی عظیم خلق و یتنام‌ونیروهای صلحدو ست وتر قی خواه جهان محسوب می گردد ، زمینه‌مسا عدی را برای حـل صلحجویانه مسا له ویتنام تهیه می نما ید .

قطع‌بمباران ودیگر فعا لیت های جنگی علیه ویتنام شما لی از یکطرف مو جبات خو شی علا قمندان صلح و دوستان واقعی مردم‌ویتنام گردیده است وا ز جا نب دیگر نظر به‌سوابق ذهنی ومثالهای عینی که‌مردم جهان‌از مانور های سیا سی امپریا لیزم دارند، با عث‌تبصره هـا ی زیاد وگوناگونی‌در محافل و کشورها ی مختلف‌اجهان نیز می با شد. عده‌ئی ازمحافل وکشور ها باین عقیده اند که‌قطع بمباران‌ویتنام در آستانهٔ انتخابات ریا ست جمهوری جز یك عمل مو قت وتا کتیکی بغرض جلب وجذب آراء مردم امریکا، که‌از جنگ ویتنام به ستوه آمده اندوفریب‌افکار عامهٔ‌جهان نیا ن چیزدیگری‌نیست. آنها می گویند که‌ادا رهٔوا شنگتن چندین بار ما نور سیاسی نموده مردم را به‌خاتمه جنگ‌ویتنام امیدوا رساخته است، اما بعدا ز سپری شدن مدت کوتاهی نه تنها امیدوا ری مردم به یاس ونا امیدی مبدل گردیده، بلکه د رپس پرده تبلیغات محدودسا ختن جنگ هموا ره دا منهٔ فعا لیت های نظامی خود را وسعت داده است.

هر چه با شدا نکشا فات بعدی ما هیت امر را رو شن خوا هد کرد واین ا قدام امریکا یکبار دیگر نیت محا فل حا کمه آنکشور را درمسألهٔ صلح وا منیت جهان وا حترام به حقوق، ا ستقلال وحا کمیت ملی دگر کشورها در معر ض‌آز مایش قـرار خواهد داد .

ولی ،اگر وضع وعواملی که‌ایالات متحده امریکا در تحت آن با ین‌عمل مباد رت و ر زیده به قت مطا لعه گردد(اعتراض شدید افکارعامه ، انز جا ز رو زا فزو ن مـر دم جهان وامریکا علیه جنگ ظا لما نه ویتنام، تجرید سیاسی واخلاقی، بد نا می، افتضاح وبد بینی کـه از رهگـذر پیشبرد ا ین جنگ پلید عاید امریکا شده، هکذا بد حا لی ا قتصاد ی وبار گران ما لیات رو زا فزو نیکه برمردم امر یکا نسبت تکا فـوی مصارف کمر شکن نظامی‌جنگ‌ویتنام تحمیل می گردد، تلفات سنگین مالی وجا نی و شکست ها ی پیهم نظامی وسیا ست تصیب ایا لا ت متحده گردیده ومی گردد وفوق‌همه شکست ناپذیری مقا ومت قهرما نا نه خلق ویتنام...) همه د لالت‌بر آن‌می‌نما ید که راهیکه حـزب بر سر اقتدار امریکا د ر آن گا م نهاده با زگشت ندارد .

خوا ستها ی عـادلانهٔ خلق ویتنام بسیا ر ساده و رو شن‌است. مردم ویتنام می‌خوا هند طبق‌معاهدهٔ ۱۹۵٤ ژنیو تمام نیرو ها ی خارجی از ویتنام جنو بی خا رج گردد،زمینه برای وحدت مجدد ویتنام مسسا عد شودوبمرد م ویتنا م فر صت داده شود که سر نو شت آینده خود را بدون مدا خله دیگرا ن طبق منا فع خلق‌ویتنا م‌تعیین نما یند ،بی‌طرفی، استقلال ملی و تمامیت ار ضی ویتنام احترام گذارده شود. جبههٔ‌آزادی‌ملی ویتنا م جنو بی که علی‌رغم‌موجودیت نیم‌ملیون عسکر مسلح ومجهزامریکا در ویتنام جنوبی و صدها هـزا ر عسکررژیم سیگون ود یگر متحدین امریکابا ز هم بر ٤و٥ حصهٔا را ضی ونفوس ویتنام حکومت می نما ید بحیث نما ینده حقیقی ووا قعی مردم ویتنا م جنو بی بر سمیت شناخته شود .

خواستهای فوق حق‌طبیعی هرملت آزاد است وهرنو ع تجاو ز بر آن تجاوز صریح بر اعـلامیهٔ حـقو ق بشر ،منشور ملل‌متحد ومواد‌و حقوق بین‌المللی محسو ب مـی گردد .در آنصورت ملت حق و حتی و ظیـفه خواهدداشت‌که بااستفاده از تما م امکانات وو سا یل وکمك دو ستان خود د ر راه این خوا ست عاد لا نه وا نسا نی خود مبا ر زه‌نما یـد ، وعوا قب و خیم آن متو جه ایالات متحده امریکاخوا هد بود.

اکنون که نو بت حکمرا نی بـه جمهوریخوا ها ن رسید و«خر» دموکراتها در پر مسؤو لیت ترین مو قع زما م امور امریکا را به«فیل» جمهوری خواهان تسلیم‌می دهـد ، دیده‌شود که زما مدا را ن فعلی‌امریکا الی زما ن تسلیم کا ر به زما مدا ران جدید (۳۰ برج جدی) کامهای بعدی را نیز در را ه ا ستقرار صلح در سر تا سر ویتنام برخوا هدداشت، یا اینکه مسؤو لیت اقداما ت بعدی‌را به زما مدا را ن منتخب خـوا هـد گذا شت ؟

آیا حکومت‌جدیددر صورت‌بمیراث بردن این پرا بلم ، را ه سلف‌خود را در پیش خو اهد گر فت یا اینکه راه عقل سلیم وا حترا م به افـکار- عامه جهان وا ستقرار مجدد صلح در ویتنام را تعقیب خواهد کرد .

هر گاه حکومت جدید امریکا به مسؤو لیت خطیریکه از نا حیه جنگ ویتنام متو جه آنست ، توجه نکند وگام او لیرا که بـردا شتـه شده تا سر حدا عادهٔ صلح کامل واخراج قوای امریکا از ویتنام وکذا شتن ویتنام‌بمرد م ویتنام تعقیب نه نماید، با دیرا که دیمو کرا تها را در قت زمامدا ری‌خویش‌کشت نموده، توفان آنرا جمهوری خوا ها ن درو خوا هد کرد .

اعتصاب متعلمان لیسه غازی

قرار یکه اطلاع گر فته ایم ،متعلمان لیسه غازی ، علیه مدیر لیسه مذکور دست به اعتصاب زده اند .

گفته میشود که موضوع بر سـر نفاق افگنی و پخش افکار ار تجاعی اختلا س چوب ، ذغال سنگ وچوکی های کهنه وشکسته واستخدام چپرا سی‌های لیسه به‌منزل شخصی‌و بکار های خصو صی می باشد .

متعلمان اظهار میدا رند که وجدان‌متعلمی ما‌را این افکار ارتجا عی و اعمال فاسد کننده تکان داده وباید‌دست کسا نیکه باعث فساد روحی و تربیتی ما میگر دند و در برابـر منافع ملی کشور ما قرار می گیرند، از سر ما کو تاه گردد .

شهر پر افتخار هرات نیز

جنبش سه عقرب را تجلیل نمود !

اطلاعی میرساند کـه تظاهرات باشکوهی بمنا سبت جنبش سه عقرب در شهر هرات ؛ در این‌شهر پرافتخارفرهنگ‌باستانی‌افغانستان، این کانون تمدن کهن و با عظمت تاریخی کشور ما صورت گرفت.

تظاهرات خیابانی ساعت ۸ صبح از پارك شهرنو هـرات بـاشتراك هزاران نفر از کار گران ، دهقانان پیشه‌وران ، شاگردان وروشنفکران و طنپرست وشهریان هـرات آغاز گردید . تظاهرات توام بـا میتنگها و ایـراد بیانیه هـا ی پر شو ر و هیجان انگیز درجاده‌ها وچهار راهیها وشعار های : مرده بادارتجاع،استبداد، استعمار وامپر یالیزم! نابود باد فیو دالیزم! پیروز باد خاطره تابناك شهیدان۳ عقرب ! ساعت یك ونیم بعد از ظهر خاتمه یافت.

اتحـاد و همبستگی اشتراك کنندگان درتظاهر،مانندیگر ولایات، موجب تقدیر وستایش همگان قرار گرفت. شعارهای استوار باد اتحاد وهمبستگی از هر طر ف بهٔ گوش میرسید.

لاره

د ځان ځانیو نه خـه نـه جوړیږی
راځـی‌چه یـو کړو دا جلا کورونه
او سـ د وینا سره عمل دی پـه کار
په تش گفتـار نشول دوا دردونه

ملگرو گوری‌ء استبدادخه‌کوی!
ستره‌وبا ده خود وی مرگونه
زموږ د خلکو پـه خولو او وینو
را پورته‌کیږی د ظالم قصرونه

لاره یـوه ده د خلاصون‌ملگرو
چه سره‌یو شـی دا خواره‌قومونه
بیا د بیوزلو د نجات‌لپاره
ټول‌شی،قربان کړی یو تر بل سرونه
را شی چه یوکړو لیونی ملگری
را شی کړی. کړو داخواره لاسونه

م ـ سنگر

از (ص ۳)

نگاهی به پلانهای ...

است که زمینه برای تراکم سرمایه وجود ندارد . یا تمویل بعضـی پروژه های شامل پلان از طریق‌منابع داخلی مالی پیشبینی شده ، حالانکه نظام مالیاتی طوری تنظیم نگردیده است که بتواند آنرا تامین نماید ... وغیره .

ــ توازن معقول در تعیین محل تمرکز نیرو های مولده ، توزیـع مواد ، کار ومنابع مالی در محـلات و مناطق مختلف‌اقتصادی امری‌لازمی درپلانگذاری میباشد ، اما در پلانهای اقتصادی افغانستان ، آنطوریکه‌لازم است این نکته مراعات نگردیده . در میان مناطق مختلف افغانستان‌از نظر سویه انکشاف اقتصادی ، سطح زندگی ، سطح رشد نیرو های مولده وغیره تفاوتهای بزرگی موجـود است .

ــ در امر پلانگذاری احصائیـه نقش عمده و اساسی دارد . بدیهی است که بدون یکمقدار حقایق وارقام نمیتوان پلانهای کاملا عملی راتنظیم کرد ، اما در افغانستان ادارات‌دولتی و تشبثات خصوصی بآنچه تاکنون کمترین اهمیت قایل گردیده انـد احصائیه میباشد . اصلا اعداد و ارقام محدودی که جمع آوری‌میگردد وبحیث احصائیه ها پذیرفته ونشر میگردد ، فیصدی بیشتر آن واقعیت عینی ندارد .

ــ شرط ضروری‌اجرای‌موفقیت‌آمیز پلانهای رشد اقتصادیست که از منابع مالی و مواد ، استفـادهٔ اقتصادی صورت گرفته وپرنسیپ‌های اساسی بررسی‌وکنترول‌قیمت‌های تمام شد ، محاسبه تمام شد وغیره حین اجرای پلان از طـرف مقامات مربوط مورد عمل قرار گیرد. اکنون به همه کس معلوم است که از منابع مالی ، مواد و کار پروژه‌های ساختمانی شامل پـلان در افغانستان چه سوء استفاده هـای بزرگی بعمل‌آمده ، اماموردبررسی وهیچگونه باز پرسی قرار نگرفتـه است .

دراینجا هدف ماشمارش غارتگریها ، اختلاسها و سـوء استفاده ها از بودجه دولت (کیسه ملت) نیست ، چه‌اینموضوعیست‌تاحدودی روشن ودر نشرات پرچم و دیگـر نشرات گوشه‌هائی از آن منعکس شده است . درین مقاله کوشش میشود آن جوانب پلانگذاری علمی‌که تاکنون نتوانسته است انـعـکاس درست و علمی در مطبوعات واذهان پیدا نماید ، نشان داده شود .

بخش دوم این مقاله (اصول پلانگذاری علمی) درشمارهٔ آینده تقدیم میشود .

س.ع. کشتمند

(دلومړی مخ پاتی)

داکتوبر د ستر سوسیالستی ...

افغانستان بی دیو خپلواك هیواد په عنوان پـه نظر کښی نیو ، دا موضوع من جمله دبرست ـلیتوفسك دسولی په تړون کښی چه ۱۹۱۸کال په مارچ کښی د شوروی جمهوری او آلمان ترمینځ منعقد شوی ؤو منعکسه شوه .

پدی تړون کښی داسی ماده ځای شوی وه چه د هغی پـه موجب دواړه خـواوی متعهدی شوی چـه «دایران او افغانستان سیاسی او اقتصادی استقلال او ارضی تمامیت ته‌احترام وکړی «اوبیاد۱۹۱۹ کال د مارچ پـه میاشت کښی شوروی حکومت له شوروی روسیی سره د- سولی تړون چه دلنین له خواتنظیم شوی ؤ د یو تیك پـه ترڅ کښی د پاریس دسولی کنفرانس‌ته واستاوه او دهغه په اوله ماده کښی ښکاره شوی وو چه : ټول دولتونه پـه متقابله توگه تعهد کوی چه دقهریه قوت د توسل له لاری دافغانستان دحکومت دغورځولو نه ډډه وکړی .

د ۱۹۱۹ کال د اکتوبر ۱٤ ورځ چه‌په هغی کښی ولادیمیر لنین لـه لومړنی افغانی هیأت سره‌کتنه وکړه دتل لپاره دافغان‌ـ شوروی دروابطو په تاریخ کښی د دواړو هیوادونو ترمنځ دواقعی‌دیپلوماسی مناسباتو د بر قراری د ورځی پـه حیث ثبت شوی ده .

ترمینځ د دیپلوماسی روابطو د برقراری، له‌لومړی ورځی‌نه‌راپدیخوا ددواړو هیوادونو مناسبات پراخ او پیاوړی شول .

د ۱۹۲۱ کال د فبروری په ۲۸ نیټه د افغانستان او شوروی اتحاد د- نمایندگانو له خوا یو تړون لاسلیك شو .

دا له نورو هیوادونو سره د- افغانستان لومړی متساوی الحقوقه قرار دادؤ .

لنین دیوه پیغام په ترڅ کښی اعلیحضرت امان الله خان ته ولیکل: «د شوروی روسی حکومت او د- افغانستان علیه دولت په شرق کښی مشترکی گټی نری . دواړه‌هیوادونه خپل استقلال ته ارزښت ور کوی او غواړی یوبل او ټول شرقی ملتونه مستقل او آزاد ووینی .

دواړه دولتونه‌نه‌یوازی دنورو‌علتو لپاره ، بلکه پدی علت هم چه د- افغانستان او روسیی تر مینځ داسی مسائل نشته دی چه داختلافاتو موجب شی او حتی د افغانستان او روسیی په دوستی باندی سیوری واچوی ، یوبل‌ته نیږدی‌کیږی ،زړه امپریالستی روسیه د تل لپاره محو شوه او دافغانستان دعلیه دولت شمالی گاونډی نوی شوروی روسیه ده چه دشرقی ټولوملتونوته او په لومړی وار یی دافغانستان ملت ته د افغانستان او شوروی اتحاد د دوستی او وروری لاس ور وغځاوه ، دلس هاوو کلونو په‌ترځ کښی ،تراوسه‌پوری دی دوستانه مناسباتو په بریالیتوب پراخنیا موندلی ده .

د شوروی دولت سوله غوښتونکی او مسالمت آمیزه سیاست چه دملی آزادی غوښتونکی نهضت د ملاتړ پر مبنا ، داستقلال داحترام او د ـ حقوقو د تساوی او په تیره زموږ هیواد ته پـه دیارلسو وروستیو کلونو کښی د شوروی اتحاد د بی شرط او قیده مساعد اقتصادی او تکنیکی مـرستو پـه ترڅ کښی د امپریالیزم خنډونه په افغانستان کښی کمزوری کړیدی او کمزوری کوی یی ، بلکه زموږ په هیواد کښی یی د ملی اقتصاد د هستولو سره مرسته وکړه او د دواړو هیوادونـو د ترقی له چاری سره کومك کـوی په همدی جهت او د خپلو ملی گټو په معیار ، موږ له شوروی اتحاد سره دافغانستان دکټورو مناسباتو د لا زیاتی پراختیا طرفدار وو اویو ، دا ځکه چه له شوروی اتحاد سره د مناسباتـو کمزوری کول چـه امپریالیستی او ارتجاعی محافل یی غوښتونکی دی ، زموږ ملی گټو ته ناوان‌رسوی ددی‌مسالی‌بی‌تعصبه‌اوسم درك او زموږ د ملی منافعو پر اساس زموږ د ویاړ جن او محبوب وطن افغانستان د آزادی ،استقلال ،ترقی، او پر مختگ لپاره یو حیاتی امر بلل کیږی .

زموږ د افغانستان دخلکو دموکراتیك ترقی غوښتونکی د اکتوبر د سو سیالیستی ستر انقلاب دیو پنځوسمی کالیزی په مناسبت دژوند په ټولو چارو کښی په مبارزه کی، دسولی اونوی مترقی نظام په جوړونو کښی د شوروی اتحاد دخلکو د لاز یاتی کامیابی آرزو کوو او ددی تاریخی ورځی په مناسبت د شوروی اتحاد قهرمانو خلکو ته مبارکی ور کوو .

ژوندی دی وی افغان ـ شوروی خلکو دوستی !

از (ص۲)

تئوری علمی تکامل..

وبوجود آوردن اولاد میباشد .

منظور از ایجاد ایـن «تئوری » دروغین توسط مالتوس تطهیر سرمایه داری و موجه جلـوه دادن مصائبی است که نظام سر مایه داری بر مردم زحمتکش تحمیل مینماید . بدینجهت «تئوری» مالتوس اکنون مورد استفادهٔ وسیع بورژوازی ارتجاعی امپریالیستی قرار گرفته است، تا بکمك آن سیاست خارجی غارتگرانه خودرا تبرئه نـمایـد. «تئوری» مالتوس اکنون علنا خصوصیت ضد بـشری دارد . حال بـر اساس این «تئوری» تنها توصیه نمیگردد که از ازدواج جلوگیری بعمل آیدوباتولید نسل محدود گردد، بلکه برین عقیده اند که برای نابود کردن زیادت نفوس از بمب اتومیك، سلاح‌باکتریولوژیك ووسایل دهشت آور دیگر کشتار دسته جمعی توده هاباید استفاده شود .

اکنون دیریست‌که علم و پراتیك «تئوری» مالتوس‌را ازریشه‌رد کرده است. مارکس درزمان‌خود نشان داد که در رژیم سر مایه داری علت فقر وگرسنگی زحمتکشان مربوط بـه قوانین طبیعی جمعیت نمیباشد ،بلکه ناشی از ماهیت نظام سرمایه داری واز توزیع غیر عادلانهٔ نعمات مادی درین نظام است، چه قسمت عمده ئی ازاین نعم مادی را سر مایه داران تصاحب مینمایند ، در حالیکـه زحمتکشان از بدست آوردن‌ضروری ترین مایحتاج زندگی محروم انـد. رشد اقتصادی موفقانه اتحاد شوروی ودیگر کشور های سوسیالستی که در آنها فقر ، گرسنگی و بیکاری همراه بانظام سرمایه داری از جامعه طرد گردیده است و زندگی انسانها روز بروز بهتر ومرفه تر میشود ، بی اساس بـودن نظر مالتوس را نشان میدهد .

لهذا نه محیط جغرافیائی و نـه جمعیت علت قطعی و تعیین کننده تکامل اجتماعی میباشد، بلکه علت واقعی آن شیـوهٔ تولید نـعم مادی است کـه بمطالعهٔ آن در شماره آینده می پردازیم .

از (ص۲)

مسایل جنبش ..

اینها، توضیحات بسیـار کـلی و مختصری بود که دربارهٔ حل مسایل جنبش محصلان و به غرض نزدیك کردن نظریات و تحقق اتحاد وبرای نیل به‌هدفهای مشترك‌محصلان‌تقدیم گردید . بعقیدهٔ ما جنبش‌محصلان افغانی که دارای سنن پـر افـتخار بیکاراند و همیشه در سیر تاریخ نهضت رهائی بخش کشور فعالانه شرکت داشته اند ، به‌آن درجه ئی از رشد و پختگی رسیده است کـه محصلان بتوانند به مسایل خویش بر خورد اصولی ، پیگیر و دلیرانه کنند وبه حل منطقی آنها تـوفیق یابند .

درود پرشور به محصلان وطنپرست افغان که در راه آزادی ودموکراسی دلیرانه مبارز می‌کنند!

دامتیاز خاوند او مسؤول مدیر:سلیمان لایق

دولتی مطبعه

روابط اقتصادی افغانستان
واتحاد شوروی

ترقیخواهان «دموکراتیک خلق‌افغانستان» وظیفهٔ ملی ووطنپرستانه‌خود می دا نند که کمکهای بلاقید وشرط ومساعد را نسبت به‌افغانستان که‌بامنافع ومصالح خلق ووطن‌ما و فق‌دا شته باشد ودر جهت اتخاذ سیاست صلحجویانه مستقل ملی،ایجاداقتصادملی وتامین‌استقلال‌اقتصادی وبهبود سطح زندگی ورفاه مردم کمک کند، بطور عینی‌وبرملاک‌مصالح ملی مورد مطالعه قرار داده‌واز آن استقبال و تقدیر نمایند که اینک روابط اقتصادی افغانستان‌ـشوروی مورد بررسی قرار می‌گیرد.
مآخذ مقاله حاضر: نشرات وزارت‌پلان وسایر نشرات پخش شده د ردا خل کشور .

روابط اقتصادی بین افغانستان واتحاد شوروی در نخستین سالهای استقرار حکومت شوروی ودر زمان اوج گیری مبارزه ضد استعماری‌ملت افغانستان بخاطر استقلال خویش و رهائی از قید اسارت امپریالیزم انگلیس آغاز گردید. تأسیس‌وتحکیم مناسبات دوستانهٔ دوکشور، به آزادی واستقلال وطن ماکمک شایانی کرد .

امضاء اولین قرار داد دوستی بین شوروی‌وافغانستان‌بتاریخ۲۸فبروری ۱۹۲۱ واقعهٔ مهمی درروابط دوکشور بشمار میرودکه به‌تأسی ازآن‌حکومت شوروی برای اولین سفیر خود د ر افغانستان متحد المآلی راکه تحت نظر مستقیم ولا دیمیر ایلیچ لنین تدوین شده بود ،ارسال داشت.درین متحدالمآل سیاست‌مربوط به شوروی در مورد افغانستان تشریح شده است واز جمله اشعار میدا رد: «سیاست ما، سیاست صلح‌وهمکاری بین تمام ملتهاست. حالیه که ملل شرق بمثابه ملل کشور های عقب افتاده ستم‌اقتصادی خارجی رابنحوی دردناک احساس میکنند، روسیه شوروی سوسیالستی دوست‌طبیعی آنهاست، سیاست مادرشرق تجاوز‌ـ کارانه نیست. سیاست ما، سیاست صلحدو ستی است ...»

سپس خطاب به سفیر شوروی مقیم‌کابل‌گفته میشود: «هدف‌اساسی فعالیت شما درکابل باید توسعه دوستی ما باافغانستان باشد.منظور از دوستی همکاری متقابل است وما براساس تمایل خود در زمینه کمک به پیشرفت وترقی کشور دوست ما افغانستان آماده ایم که درین عرصه صلح آمیز تمام کمکهائی راکه از دست ما ساخته است به آنکشور نمائیم. شمابایدخواستهاواحتیاجات افغانستان‌را بررسی کنید وتمایل دولت افغانستان را برای ما روشن سازید تابتوانیم درجریان اجرای قرار داد روسیه وافغا نستان بقدر وسیع وامکان خود به رشد و تر قی آن مساعدت نما ئیم ...»

در قرار داد ۱۹۲۱، درین سند تاریخی صریحاً گفته میشود که این قرار داد «بمنظور تحکیم روابط دوستانه روسیه وافغانستان وحفظ استقلال واقعی افغانستان به امضاء میرسد». واقعاً باانعقادآن دورنماهای وسیع همکاری بین دوکشور فراهم آمد. حکومت شوروی در اولین سالهای موجودیت خود، باوجوداینکه بمشکلات زیادی ناشی از جنگ‌امپر‌ـ یالیستی ومداخله مسلحانه خارجی وجنگهای داخلی مواجه بود ــ در هنگام انعقاد قرار داد متعهدگردید، به افغانستان که در وضع دشواری قرار داشت کمک اقتصادی مبذول دارد. برطبق آن امدادی به اندازهٔ یك ملیون روبل طلا (که درآنزمان کمکی قابل ملاحظه بود) به‌افغانستان واگذار گردید. لوازم وتجهیزات‌برای تمدید سیم تلفون کوشك‌ـ هرات‌ـ قندهار‌ـ کابل، وکابل‌ـ مزار شریف تحویل داده شد ودر ساختمان‌بعضی تأسیسات‌دیگری نیزکمکهائی‌صورت گرفت.

دولت شوروی باواگذاری برخی امتیازات به‌تجار افغانی موا فقت‌نمود و به افغا نستان اجازه دادکه اموال صادرا تی خودرابلامانع واردا‌تحاد‌ـ شوروی نماید.دولت‌شوروی همچنین عوارض گمرکی بر محصولات مهم صادراتی کشور مانند پوست‌قره‌قل، پوست گوسفندی وپشم را ملغی ساخت .

همچنان برای کشورما از طرف جمهوری شوروی این حق قایل‌گردید تا اموالی‌که از آنکشور وکشور های دیگر اروپائی خریداری میشد، بدون تادیهٔ هیچگونه محصول وعوارض بطور ترانزیت از طریق اتحادشوروی آزادانه حمل گردد. علاوتاً اولین ایستگاه بیسیم رادیوئی درکابل از طرف متخصصین شوروی احداث وبه خلق افغانستان هدیه گردید وعده‌ئی ازکارگران افغانی جهت ادارهٔ آن در تاشکندبسویه متخصص تربیه‌شدند. اولین کارخانه برق دیزلی با کمك اتحاد شوروی در هرات ساخته شد. متخصصین شوروی درمبارزه باآفات وامراض نباتی وبیماری های حیوانی کمک های لازمه را به کشور ماانجام دادند ودرتأسیس اولین آز مایشگاه (ص۳)

از آثار مترقی
تئوری علمی تکامل اجتماعی
— ۲ —
شیوه‌تولید بمثابه اساس مادی زندگی جامعه

موضوع عمدۀ ماتر یالیزم تاریخی عبارت از اینست‌که شیوۀ تولید نقش تعیین کنده رادر تکامل جامعه دارد .

عمل تولید فقط میتواندباموجودیت شرایط معینی صورت گیردکه این شرایط عبارتند از محیط جغرافیائی وجمعیت، قبل از اینکه به مطالعه نقش تعیین کنندۀ شیوه تولید درتکامل جامعه پردازیم، بهتراست که نقش این شرایط درحیات‌اجتماعی نشان داده شود .

۱ـ نقش محیط جغرافیائی وتوده‌های مردم در تکامل جامعه :

الف : محیط جغرافیائی وجامعه :

طبیعتی که جامعه را احاطه میکند یعنی آب وهوا ، خاك ، کوه ها ، دریا ها ، معادن ، نباتات وحیوانات وغیره عبارت از محیط جغرافیائی است . محیط جغرافیائی شرط لازمی برای فعالیت تولیدی انسان میباشد، چه بدون ارتباط وتا ثیر متقابل‌انسان وطبیعت هیچنوع فعالیت تولیدی نمیتواند صورت گیرد .

محیط جغرافیائی‌دو نوع تا ثیر را میتواند برتکامل جامعه واردآورد ، یعنی شرایط مساعد طبیعی مثلاوجود معادن ، جنگلات ، در یا ها، اقلیم سالم وغیره به تکامل جامعه کمك مینماید در حالیکه شرایط طبیعی نا مساعد اثرات منفی در تکامل اجتماعی‌واردمیاورد.مثلاعدم‌موجودیت معادن رشد صنعتی را بطی میسازد و اقلیم نا مساعد وبی اندازه خشك از رشد زراعت جلو گیری مینماید و غیره .

محیط جغرافیائی چون اهمیت بزرگی در تکامل‌اجتماعی دارد ، بنا بران عده ئی از جامعه‌شناسان ارزشی بی اندازه به نقش آن قایل میگردند و برین عقیده اند که یا این محیط در مجموع خود تعیین کنندهٔ تکامل اجتماعی است ویا عناصری از آن مانند اقلیم ، دریاها و غیره .

مبرهن است‌که چنین اعتقادی به عامل جغرافیائی از نظر علمی کاملا بی‌اساس میباشد ، زیرابه این‌سوال جواب‌گفته نمیتواندکه تکامل‌اجتماعی تحت تاثیر چه‌عواملی صورت می‌ـ پذیرد. همچنین اینموضوع را نیزدر نظر نمیگیرد که محیط جغرافیائی بمراتب بطی تر از حیات اجتماعی تغییر میکند. لذا این محیط نمیتواند زندگی اجتماعیرا تعیین‌کند. مثلادر اتحاد شوروی درمدت صدسال اخیر شرایط طبیعی تقریباً تغییر نکرده است ، در حا لیکه ظرف همین‌مدت جای نظام فئودالی را نظام سرمایه‌داری وجای سرمایه داری را نظام سوسیالستی گرفته است واکنون با موافقیت بمراحل عالیتری تکامل مینماید .

معهذا معلوم است‌که محیط جغرافیائی نقش تعیین کننده را در تکامل اجتماعی ندارد با وجود اینکه شرط لازمی حیات اجتماعی میباشد اما محیط جغرافیائی فقط می تواند تکامل جامعه را تسریع ویا کند نماید .

ب: جمعیت وجامعه :

ازآنجائیکه تولید بدون وجود انسان نمیتواند صورت بگیردو در اثر کار و زحمت انسانهاست که طبیعت مقهور گردیده و در خدمت انسان درمیآید ، پس شرط ضروری دیگر حیات مادی جامعه ، جمعیت میباشد . چه تعداد کمتر یا بیشتر جمعیت ، رشد سریع یا بطی آن میتواند درشرایط‌معینی ،تکامل‌جامعه را سریع یا بطی سازد ، ولی باید گفت‌که جمعیت نیز مانند محیط جغرافیائی نقش قطعی و تعیین‌کننده را در تکامل اجتماعی ندارد ، مثلا پاکستان که بطور متوسط در هر کیلو متر مربع در حدود یکصد نفر جمعیت دارد از لحاظ رشد اقتصادی ازکشور امریکا که تعداد جمعیت آن بطور متوسط در هر کیلو متر مربع ۲۵ نفر میباشد، بمراتب عقب‌مانده‌تر است وتعداد جمعیت متوسط در هر کیلو متر مربع اتحاد شوروی از‌ـ امریکا هم کمتر است ، اما از لحاظ تکامل اقتصادی بطور روز افزون بر امریکا سبقت میجوید .

پس میتوان چنین نتیجه گرفت که جمعیت و رشد آن تعیین کنندهٔ حیات اجتماعی نبوده و بر عکس‌خود آن مربوط به خصلت نظام اجتماعی میباشد .

نمایندگان مکتب مالتوس (مالتوزیانیزم) که‌نمونه‌ئی ازجامعه شناسی ارتجاعی بورژوایی است ، بیان میدارد که جریان‌تکامل‌اجتماعی مربوط به رشد جمعیت میباشد . مالتوس ، اقتصاددان وکشیش انگلیسی «تئوری» نی رابوجود آورد که بر اساس آن رشد جمعیت وتولید مایحتاج زندگی تناسبی با همدیگر ندارند ، بعقیدهٔ مالتوس جمعیت بمراتب سریعتر از تولید مایحتاج زندگی رشد مینماید وهمین امر است‌که باعث فقر، گرسنگی ، بیکاری ودیگر محرومیت های زحمتکشان میشود . مالتوس راه نجات ازین محرومیتها را نیزپیشنهاد میکند و آن خود داری از ازدواج (ص٤)

از (ص اول)
مسایل جنبش محصلان...

و تحمل ، نرمش و گذشت و فروتنی و پی‌گیری و هشیاری لازم است .

ـ برای نیل به‌تاسیس اتحادیه‌باید حدود مسایل صنفی و محصلی و مسایل سیاسی وایدئولوژیك رعایت گردد . اگر در قدم اول این نکات رعایت میشود آنوقت هم زمینهٔ‌اتحاد و هم شرط تشکیل اتحادیه محصلان آماده میگردد .

منحیث پر نسیب و وظیفه مبرم ودائمی محصلان آگاه ووطنپر ست است که در راه تشکیل سازمانهای محصلان بهر شکل و اسمی که امکان آن وجود داشته باشد ، حتی الوسع سعی نمایند .

استقلال سازمانهای صنفی محصلان :

برای تشکیل سازمانها (اتحادیه ها) باید این اصل جداً در نظر گرفته شود که سازمان محصلان ،سازمانی است‌صنفی‌و متعلق به‌همه محصلان . اساساً استقلال از خصوصیات‌اصلی سازمان های صنفی است و به‌هیچ حزب و سازمان سیاسی‌تعلق‌ندارد. بنا براین، باید درتشکیل سازمان محصلان نکات زیرین در نظرگرفته شود .

ـ بر نامه و اساسنامه ومشی سازمان محصلان نسبت به‌حزب سیاسی تفاوت دارد .

ـ جلسات وکنگره‌های سازمان بصورت خاصی غیر از شکل حزبی دایر میگردد .

ـ هیچ حزب سیاسی حق ندارد که‌سازمان‌محصلان رابمثابه «تکیه‌گاه، نیروی‌احتیاط ونیروی‌معاون» وبرای پیشبرد سیاست خود مورد سوء استفاده قرار دهد و شعار های بخصوص سیاسی و نظرات‌ایدئو‌ـ لوژیك خود را بالای سازمان‌محصلان تحمیل کند. معهذا باید خاطرنشان ساخت‌که درسازمان‌محصلان گروه‌ـ های مختلف سیاسی نه تنها کاملا حق شرکت را دارند، بلکه بمثابه عناصر آگاه در تشکیل و رشد سازمان نقش فعالی راایفا میکنند . ولی باید آنان و تمام اعضا و فعالین و مسؤولین منتخب محصلان بین هدفهای سازمانی‌و سیاسی‌وسازمان محصلان فرق قایل شوند واین فرق را در عمل صمیمانه و بادقت رعایت کنند .

رعایت دموکراسی در سازمان محصلان :

برای تشکیل سازمان باید درنظر گرفت که سازمان صنفی اساساً یك سازمان دمو کراتیك می باشد . لذا ایجاب میکند که محصلان چه‌در وضع کنونی‌وچه در صورت تشکیل سازمان به‌نکات آتی عطف توجه کنند .

ـ تمام مقام های اجرائی، انتخابی باشد واین مقامها در کنگره‌ها به انتخاب‌کنندگان‌خود گزارش بدهند.

ـ رای اکثریت‌باید رعایت شود.

ـ همچنان شرایطی فراهم‌گردد که اقلیت بتواند آزادانه نظر خودرا بیان کند .

ـ سازمان محصلان حتی الامکان باید آنچنان خط مشی و روش اقناعی را تعقیب کند و آنچنان شعاری بدهد که مورد قبول‌و پشتیبانی اکثریت عظیم تودۀ محصلان قرار گیرد .

مسایل صنفی ومحصلی :

یکی از مهمترین و عمده ترین مسایلی که هر روز محصلان به آن روبرو می باشند ، عبارت از حل مسایل صنفی محصلان است.شرکت در مبارزات صنفی محصلان بخاطر تامین شرایط بهتر تحصیل و کار و زندگی وظیفهٔ محصلان آگاه پیشآهنگ ووطنپرست است .

هستند عده‌ئی از محصلان دارای تمایلات سیاسی که از شرکت در مبارزات صنفی خود داری‌میکنند و یا شتابزدگی‌وتند خوئی ،خشونت و خود ستائی و غرور نشان میدهند و کوشش میکنند که بدون درنظر گرفتن وضع فکری اکثریت‌محصلان مبارزات صنفی را بچگانه تلقی کرده وبادادن شعارهای انقلابیگرانه جریان مبارزه صنفی را به چپروی وماجرا جوئی بکشانند ودر نتیجه‌به جنبش ،محصلان لطمه بزنند و به آسیاب ارتجاع آب بریزند .

باید خاطرنشان ساخت که مبارزه صنفی وسازمان صنفی محصلان به صورت اتحادیه ها و کلوپها و غیره وسیعترین قشر محصلان را احتوا میکند و به اکثریت‌محصلان ساده‌ و بیعلاقه به سیاست امکان میدهد که‌در مکتب سازمان به‌اهمیت مبارزه و کار دستجمعی در راه خواستهای خود با تجربه شخصی معرفت حاصل کنند وبه تدریج در راه خواستهای عمومی سیاسی‌تمام خلق گام بردارند و شعور سیاسی آنان ارتقا یابد وبه فعالیت‌سیاسی بپردازند .

مبرم ترین و عمده ترین شعار صنفی محصلان کشورتشکیل اتحادیه محصلان است !

مسایل‌سیاسی‌وایدئولوژیك وفعالیت سیاسی وحزبی محصلان :

در دوران معاصر هیچ فردی از افراد و هیچ سازمانی از سازمانهای صنفی ،اقتصادی ،اجتماعی وغیره از سیاست و فعالیت سیاسی‌برکنار مانده نمیتوانند . این مساله بخصوص در کشور کم رشد ما افغانستان، که‌روشنفکران و در صف مقدم آن محصلان نقش بسیار مهم و موثری در مبارزه ضد استبداد و ضد ارتجاع و ضد استعمار و در جنبش آزاد یبخش ملی ودموکراتیك ضد امپریالیزم و ضد فئودالیزم داشته ودارند، کسب اهمیت‌میکند. شرکت فعال محصلان در مبارزات انتخاباتی، دراعتصابات، در میتنگها ودر تظاهرات ضد استبداد و ضد فرهنگ استعماری و در مبارزه عمومی مردم افغانستان به خاطر آزادی واستقلال و دموکراسی موجب افتخار و سرور همگان‌است. بنا براین مسأله بر سر شرکت یا عدم شرکت محصلان در سیاست و فعالیت های سیاسی که دربالا تذکر یافت نیست . مساله بر سر حدود آنست .

لذا نکته جدی برای رشد جنبش محصلان عبارت از رسیدن باین حدود منطقی است که باید تاآن حدودی درمیان محصلان فعالیت سیاسی کرد وآنچنان شعارهای سیاسی را مطرح ساخت که از یك سو برای اکثریت قابل فهم باشد واز سوی دیگر اکثریت رابفعالیت سیاسی وادارد ، متأسفانه بنا بر تحریکات غیر اصولی و نادرست گروههای سیاسی عوض اینکه محصلان آگاه در گام اول به جهت اتحاد و همبستگی و تشکیل‌اتحادیه محصلان رهنمائی شوند ، بیشتر چنان شعار های سیاسی ئی را به آنان «دستور» میدهند که‌نه‌از عهدۀ انجام آن بر می آیند ونه اکثریت محصلان را بخود جلب کرده میتوانند .

نتیجۀ این شیوه نادرست همان است که‌در میان محصلان پوهنتون کابل وقتاً فوقتاً، درعمل به مشاهده میرسد و باعث بد بینی ،بی‌اعتمادی و نفاق درمیان محصلان میگردد و متاسفانه یك عدۀ محدود محصلان ناآگاهانه علیه محصلان آگاه و وطنپرست وفعالین، دست به افشاگری ، علنی گری و فحش گوئی میزنند و یکدیگر را تخریب مینمایند و نهضت رابدنام میسازند وارتجاع وحشی کشور رادلشاد وکاربولیس را آسان میکنند .

مبتنی براین اصل که هر گز نباید از توده ها جداشد ، رمز پیروزی در کار توده‌ای وازآنجمله درمیان محصلان، پیشآهنگ بودن در جریان و جدا نشدن از آنست ، اصول مبارزه حکم می‌نماید که در انتخاب شعار ها، واشکال مبارزه و زمان وغیره باید شرایط عینی و ذهنی اکثریت بزرگ کتله‌ئی را که باید در مبارزه شرکت کنند ، درنظر گرفت . انتخاب نابهنگام وشور و هیجانات‌بیموقع، به‌پیش‌کشیدن‌شکل نا مناسب وپیش ازوقت‌مبارزه، زیانش بسیار بیشتر از سودش است .

بدین جهت ضرورت ایجاب می‌نماید که‌در هنگام دادن شعار های سیاسی وایدئو لوژیك (که اختلاف در ین مسایل طبیعی و بدیهی است) باید بطور عمده روی مسایلی تکیه شود که نزدیکی واتفاق نظر وجودداشته باشد . به عبارت دیگر اینکه شعار های سیاسی واتخاذ موضع سیاسی باید روی نظریات کلی و مشترك اکثریت قاطع محصلان ترتیب و تنظیم گردد .

در شرایط کنونی باید شعارهای اساسی و مبرم محصلان و جوانان کشورما، شعار های مشترك زیرین باشد .

ـ دفاع از آزادی ، استقلال ملی و دموکراسی ،

ـ دفاع از اصول دموکراتیك قانون اساسی و مبارزه علیه قوانین ضد آن ،

ـ مبارزه علیه استعمار فرهنگی وارتجاعی ،

ـ تشکیل جبههٔ واحد در جنبش محصلان و جوانان خاصتاً جبههٔ متحد دموکراتیك و ملی ضد ارتجاع داخلی وضد امپریالیستی عموماً .

در اوضاع واحوال کنونی تأکید بالای شعارهای دیگر سیاسی و اید ئولوژ یکی باعث جدائی محصلان از جنبش میگردد .

درمسایل مورد اختلاف می توان از طریق بحث دوستانه وتبادل‌نظر مشورتی، توأم با روش اقناعی و دموکراتیك و باحوصله وارائه‌دلایل علمی ومنطقی‌وترقی، بدون‌جانبداری های‌متعصبانه‌ویکطرفه وصف‌بندیهای بچگانه ، نقاط مشترك رابا‌حفظ نقاط اختلافات سازمانی ، ایدئولوژیك و سیاسی پیدا کرد و بر اساس‌آن در راه تحقق شعارهای فوق سعی فراوان مبذول داشت .

در خاتمه به کمال مسرت اعلام میداریم که هم اکنون اتفاق نظری و عملی که میان محصلان پوهنتون کابل علیه قانون پوهنتون ها و هم همبستگی اکثریت قاطع محصلان که‌در تجلیل خاطرهٔ جنبش سه عقرب بوجود آمده بیسابقه است. ولی متاسفانه بازهم گاهگاهی کین ونفرت و عقده های شخصی و بلند پروازی های سیاسی و ایدئو لوژیك وکج‌ـ رویها وشعار های شخصی و غرض‌ـ آلود که خواست ارتجاع سیاه‌کشور وهواداران امپریالیزم است، دیده میشود. به هر حال این آقایان «رهبران» خود ساز خارج از تودۀ محصلان پوهنتون وجدا از خلقها، باید بدین نکته توجه بفرمایند که نه‌تنها مسؤولیتی در برابر تودۀ محصلان جوان کشور و جنبش محصلان دارند، بلکه درمقابل ملت و خلق‌افغانستان نیزدارای مسؤولیت سنگینی استند وفردا روز قضاوت فرا میرسد و هرکسی که ضدجنبش و ضد آزادی و ضد اتحاد اقدام کرده باشد ، محکوم قرار خواهد گرفت .

محصلان آگاه ووطنپرست !

نظم ووحدت عملی که بخصوص در روز های اخیر در نهضت اعتصابی در میتنگها ودر تظاهرات ضد قانون پوهنتون ها به‌خاطر دفاع از حقوق صنفی و آزادیهای دموکراتیك تان در بین شما بوجود آمده ،امید بخش و شایان تحسین همگان‌است وهمه باین‌امید دارند که تا در آینده به خاطر شعار های عمده و‌مبرم و مشترك و عمومی صنفی و سیاسی تان وحدت عمل بازهم عمیق ترو همه جانبه تری در میان شما بر قرار گردد و نفاق افگنان و فتنه انگیزان و مرتجعان توفیق نیابند که اتحاد و همبستگی شما را برهم زنند . شرط کامیابی شما اتحاد شماست !

درین مبارزه مردم با شماست و بدون شك راه پیروزی بروی شما هموار میگردد ! (ص ٤)

از (ص دوم)
روابط اقتصادی افغانستان...

تولید واکسن های مختلف کمک‌کرد ند .

اکنون از آغاز برقراری روا بط‌دوستانه بین اتحاد شوروی وافغانستان، پنجاه سال میگذرد، طی اینمدت مناسبات دوستانه بین د وکشور ازبوته آزمایش زمان برآمده‌ودوستی خلقهای دو کشور جنبهٔ حیات بخشی را بخود گرفته است.بخصوص همکاری نزدیك اقتصادی‌وفنی بین کشور ما واتحاد شوروی درا واسط سالهای ۱۳۳۰ بسط وتحکیم بیشتر پیدا کرد .

ازجهتی و ضع بحرانی و خیلی عقب ماندهٔ اقتصادی، تمایل ومبارزهٔ قشرهای‌مردم، هیأت حا کمه کشور را واداشت که درسیاست خودتجدید نظرهائی بعمل آورد ودر زمینه‌توسعه روابط اقتصادی بااتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالستی اقدام کندواز سوی‌دیگرآمادگی این‌کشور‌ـ ها وبخصوص اتحاد شوروی جهت انجام کمك های اقتصادی وتخنیکی مساعد وبدون قید وشرط سیاسی‌که برمبنای همزیستی مسالمت آمیز و اصول تساوی وعدم مداخله در امور داخلی، احترام متقابله وتوجه بمنافع هردو جانب استوار میباشد،امکانات آنرا بوجود آورد که برای امور پلانگذاری وتحقق هدفهای آن کمك های وسیع اتحاد شوروی جلب و جذب گردد. سهم کمکهای شوروی در تمویل مصارف انکشافی دو پلان گذشته وهمچنین پلان پنجساله‌سوم مقام اول وبر جسته ایرا درزمرهٔ کمکهای خارجی احراز مینماید و مساعدترین شکل کمکهای خارجی میباشد. چنانچه از جمله ۷۰فیصد مصارف انکشافی دوپلان که‌از طریق قرضه ها وامداد های خارجی‌تمویل گردیده است، به تنهائی قرضه ها وامداد های اتحاد شوروی ۶۷فیصد آنرا در پلان اول وبیشتر از ۶۰ فیصدرا در پلان دوم احتوا مینماید. برای پلان سوم هم اکنون مجموعاً ۲۳۰٫۵ ملیو ن دالر کمك وامداد آنکشور بمنظور رشد اقتصاد ملی‌ما جهت استفاده بدسترس افغا نستا ن قرار دارد که۱۱٤ ملیون روبل معادل ۱۲٦٫۷ ملیون دالر آن برطبق موافقتنامهٔ جدید و۱۰۳٫۸ ملیون دالر آن از ناحیه کمك های انتقالی پلان دوم به پلان سوم میباشد. این‌کمکها یا بصورت امداد های بلاعوض و بخششها ویاقرضه های طویل‌المدت با ربع قلیل (۲تا۲٫۵ فیصد) به‌افغا‌ـ نستان واگذار گردیده واکثراً ازمحل عاید حاصله از پروژهٔ مربوطه تادیه میگردد. شرایط قرضه ها خیلی‌سهل بوده‌ومطابق به پرنسیب ها بی است که برای قرضه های مساعد درشماره های چهارم وپنجم پرچم در مضمون «یك نظراجمالی برمنابع‌مالی پلان...» علماً طرح وفور مولبندی شده است.

درطی دوپلان پنجساله اول ودوم کشور ازطریق کمك ها وامداد های مساعد اتحاد شوروی «باوصف کار‌ـ شکنیها، سوء استفاده‌ها، اختلاسها وسوء ادارۀ پروژه‌ها از نظر اداری وبیرو کراسی» کار های قابل ملاحظه‌ئی در زمینه آبادانی ورشد اقتصادی‌کشور، که‌بیسابقه‌میباشد، صورتگرفته است که ثمرات حقیقی آن عبارت است از صدها کیلو متر راهای اسفالت، دهها هزار هکتار اراضی آباد شده وتولید ملیونها کیلووات ساعت برق درسال. در افغانستان کار ساختمانی ۵۸دستگاه بزرگ با همکاری «همسایه بزرگ شمالی‌ما» انجام گرفته ومیگیرد که نزدیك‌به ۳۰موسسه آن تاحال مورد بهره برداری قرار گرفته که نقش بزرگی درزندگی مردم ایفاء مینمایند. درمیان آنها راه‌های موتررو از جمله راه های درجه یك درجهان، موسسات بزرگ صنعتی اولین رشته های جدید صنایع افغانستان وشبکه های آبیاری حایز مقام‌مهمی میباشند .

در امور راهسازی :

از آنجائیکه افغانستان یکی از کشور های معدودی است که دارای راه آهن نبوده و تمام حمل ونقل ها روبهمرفته بوسیله موتر های باری انجام میگیرد واین در شرایط فعلی یگانه وسیله باصرفه برای کشور ما میباشد ، تا زمانیکه مناطق عمدهٔ کشور باجاده های موتررومدرن بهم مربوط نشوند، از یکسو احداث هیچ موسسهٔ بزرگی عملا ممکن نیست چه ساختمان موسسات بزرگ مستلزم حمل ونقل صد ها هزار تن مصالح ووسایل گوناگون است واز سوی دیگر طرق ارتباطی به منظور ایجاد روابط نزدیك بین مردم و تسهیلات در امر تجارت داخلی و تشبثات کوچك انفرادی ضروری میباشد . در طی دو پلان پنجساله با کمکهای وسیع اقتصادی وتخنیکی اتحاد شورویدرین زمینه پیشرفت‌ـ های زیادی‌حاصل گردید وازینطریق به تنهائی در حدود یکهزارو پنجصد کیلو متر سر کهای کاملا عصر ی اسفالت تاکنون احداث شده است‌و تکمیل میگردد ،درحالیکه‌قبلا حتی‌ده کیلو متر سرك اسفالت شده مهم درسر تاسر افغانستان‌موجود نبود. درین جمله جاده های بزرگی نظیر راه‌بتونی تورغندی‌ـ هرات‌ـ قندهار ، شاهراه‌کابل‌ـ پلخمری ،راه‌پلخمری‌ـ شیر خان بندر واکنون جاده‌پلخمری مزار‌ـ شبرغان شامل میباشند .

ساختمان شاهراه موتر رو که از یکی از بلند ترین سلسله جبال های دنیا یعنی هندوکش میگذرد شاهکار راه سازی است و تکمیل آن اعجاب وحیرت عموم را بار آورد . این‌کار خلاق به جهان نشان داد که انسان باتکنیك‌نو در مبارزه با موانع طبیعی به چه موفقیت شگرفی میتواندنایل شود . کار گران دوران ساز افغانی وانجنیران ومتخصصین فداکار شوروی در آنجا ، در ارتفاع سه هزارو پنجصد متر ، در شرایطی بسیار سخت ، تونلی بطول قریب ۳ کیلو متر احداث کردند که حالا عبور و مرور بدون وقفه‌وسایط نقلیه را از کابل تا شمال کشور ومنجمله شیر خا بندر (بندر قزل قلعه)مرکز مهم تجارتی‌کشور در هر موقع‌سال، تحت هر نوع شرایط جوی تأمین میکند .

شاهراه عظیم کابل ـ پلخمری که‌از دره‌های تنگ‌وبرف‌گیر سالنگ، با شگافتن دل یکی از قلل جبال شامخ هندوکش سرکش و مغرور میگذرد ، تحول بزرگی را در حیات اقتصادی و اجتماعی‌خلقهای دوطرف هندو کش‌که خواست دیرینه وجزء رویا های آنان و تمام جامعهٔ افغانستان‌بود، بوجودآورد. این‌جاده که در سال ۱۳٤۵ مورد استفا ده قرار گرفت ، فاصله بین کابل ـ پلخمری رابه اندازۀ بیشتر از ۲۰۰ کیلو متر کوتاه‌تر ساخت وموجب آن گردید که هشت ساعت از وقت مسافرت بین این دو نقطه کاسته شود . البته صرفه جوئی در استهلاك وسائل نقلیه و مصرف پترول وروغنیات نیز قابل محاسبه میباشد ورقم بزرگ عواید را در طول چند سال ارائه خواهد کرد .

اکنون روزانه بیشتراز هزار وسیله نقلیه در تمام دوران سال ازین شاهراه بینظیر عبور مینماید که در مدت کوتاهی ـ کمتر از هشت‌سال‌ـ تمام‌مصارف‌ساختمانی‌خودرا، باوصف اینکه مبالغ زیادی از آن مورد حیف ومیل بیرو کراتهای فاسد و رشوه ستان داخلی قرار گر فته است ، بر آورده میسازد .

پایان ساختمان جادۀ کانکریتی تورغندی ـ هرات ـ قندهار واقعهٔ مهمی در حیات اقتصادی کشور ما بشمار میرود وساختمان موفقیت آمیز آن حاکی از یك تجربۀ مثبت دیگر روابط حسن همجواری ونمونه‌دیگری از کمکهای بیغرضانه اتحاد شوروی نسبت به افغانستان میباشد ، این راه بتونی بطول قریب ۷۰۰ کیلو متر که از میان کوه ها و دشتهای ناهمواره میگذرد ،باوصف عدم وجود هرگونه معلومات مقدماتی در بارۀ قشر زمین ، جریان رود ها و شرایط جوی این منطقۀ افغانستان، ازشروع ساختمان‌بتکار متخصصین شوروی ومهارت تکنیکی کار گران افغانی‌راموارد آزمایش جدی قرارداد.

ساختمان این شاهراه از لحاظ مقیاس عظیم خود تا آنزمان برای کشور ما سابقه نداشت ،در امتداد این جادۀ بزرگ ساختمانهای مختلف مسکونی جهت‌حفظ ومراقبت مجهز به کارگاه‌وگاراژ ومنابع‌آب‌وغیره بنا گردیده است .

در هرات و ساحل فراه رود د و هوتل بزرگ که هر یك مجهز به دستگاه های تولید نیروی برق ،بخار کارخانه البسه شوئی، رستورانها و میدانهای سپورتی ، حوض آببازی برای مسافرین استند ، بااطاقهای راحت ومتعدد هر یك به گنجایش پنجصد نفر مسافر اعمار گردیده است ، این‌جادۀ عظیم که‌در پیشرفت وترقی اقتصادی آیندهٔ سر تا سر افغانستان نقش بزرگی دارد ، به انضمام تمام تأسیسات وساختمانها در امتداد آن که بمصرف مالی وامداد فنی بلا عوض کشور اتحاد شوروی تکمیل گردیده ، به مردم افغانستان هدیه شده است. آنچه‌درین زمینه در خور یاد آوری و قابل اهمیت میباشد نقش ارزندۀ کار گران و ساز ندگان افغانی در ساختمان این راه‌است که‌هم در جریان‌کار و هم در کورس های مخصوص، تخصص‌ـ های مختلفی کسب کردند و در مدت کوتاهی تحت‌نظر متخصصین شوروی قریب هشت هزار نفرکارگر در ۵۸ رشته مختلف ازراننده انواع وسایل گرفته تاتراشکار متخصص،تعلیم و تربیت فنی دید ند .

اهمیت اقتصادی جادۀ بزرگ موتر رو پلخمری ـ مزار ـ شبرغان و سهولت های را که این جاده پس ازاکمال برای‌مردم بوجود خواهدآورد و اکنون با استفاده از تجارب راه سازی در افغانستان با همکاری اتحاد شوروی دردست ساختمان است ، همه میدانند . (باقیدارد)

دکارخانې جشن

د ښار په خلکو کښې دکار خانې دپرا نیستلو دجشن خبرې‌خورې وې. هر چا به هر څه ویل او د جشن په باره کښې به‌يې‌خپل اوریدلی نوروته اورول .

ماشومانو به په ښو ونځیو کښې، کارگرانو به په فابریکو کښې اوښځو به په کورو نو کښې ، د جشن په باره کښې مرکې کولې .

علي مراد حمال بیا تر ټولو دجشن په مرکو مین وو ، څنگه به چه دجشن نوم واخیستل‌شو دده‌کوچنی سترگې به دېلن مخ په‌کاسه کې راوځرخیدې دبیتی پوزې سوری به‌یې ورپیدې، بڅیله کوسه زیره به‌يې‌لاس راښکود او په مغرو رانه اندازبه یې وویل : «داجشن زموږ دی ، اوموږ داکار خانه در ولی ده .»

د دی ویناسره سم به د علي مراد دخپلو لاسونو ورغوی چه داوښ‌دتلې په‌شان دکار له زوره کلك شوی او ښوی شوی وو ، ملگرو ته وښودل او دا حرکت به یې په‌یوه فاتحا نه خندا پای ته ور ساوه .

کله ، کله به یې لا خپلې زړې خولۍ ته چه لکه دغمې جاله په تارونو کښې را بنده وه ، اشاره وکړه او وبه یې ویل :« مادا چکمن د همدې کار خانې په جوړ ولو کښې زوړ کړیدی .»

څینې وخت به‌یې د خبرو په ترڅ کښې ستونی ویږ سیده او دکوچنیو سترگو‌په‌تورومریو کې‌داوښکو کړۍ راپیدا شوی، داوخت به علي‌مراد ته د خپل زلمی زوی قنبر مرگ ورپه یاد شوی وو، قنبر په‌همدې کارخانه کښې تر واگون لاندې شو ،علي مراد لا د اوښتی واگون تر درانه بارلاندې دقنبر زګیروی اوریدل او هغه وینې یې لا لیدلې چه دقنبر له خولې نه دده دخمتا په‌خرواسکټ رابهیدلې .

ـ اوه څومره ښه زوی می وو ...

څومره به یې زما خاطر ساته !....

یوه ورځ چه دخپلې مز دورۍ پنځه روپۍ خرڅې کړې وې ، څومره می وښکا نځه ، مگر دی بنده له حیانه حتی خپل سر را پور ته نکړ ، زما ترمخ یې یوه‌ورځ له‌خپلې ښځې سره زړ وری خبرې ونکړې او زما له شرمه ئې یو ځل خپل ماشوم ته‌ناز ور نکړ .

اوه ، زه څومره غریب او بې کسه یم !

زما قسمت څومره خوارد ی اوزه څومره بدمرغ اونامطلوب انسان یم! زه به دا پاتې عمر څنگه تیر ومه او د خپلې بد مرغۍ داستا نونه به چاته وایم ، دا کوچنی ماشوم به څوك لو یوی او دا ځوانه نږور به په څه هیله صبرو مه ؟ قنبره ، قنبره زو یه ! د خدای دپاره‌زه درو بیږم !

تیر حوادث به د علي مراد په خاطر کښې را وگر ځیدل او ورپسی به داوښکو سیلاب دده دنری ږیری له سپینو وېښتا نو نه‌دده په‌شکیدلی گریوان را خور شو .

زړه به یې تش کړ ، خو دده اوښکې به‌لکه‌دتور باران کم‌دوامه وی‌اوژر به دده په زړه کښې د ناامیدی دتورو وریځو له شانه د هیلو زرین لمر را وخوت ، مسکی به شوا و دا سا ده جمله به یې له خولې را ووته :«که خدای کول په نیږدی وخت کښې به کار خانه چالا نه شی.»

کله به چه‌له نورو مزدورا نو سره مخامخ شو په ډیره سادگۍ کښې به یې دا زیری ور کاوه :«...زموږ ا و ستا سی ژوند به له دی کار خانې سره بالکل سم شی .»

ده‌دامطلب دکارخانې دښنسټ اینودلو په وخت کښې دکار خانې خاوندنه او ریدلی وو او کلك باور یې پری لاره ، ده به داهم ویل چه دا کارخانه زموږ ده او گټه به یې پخپله موږ ته را ورسیږی . همدا هیله وه چه په علي مراد یې ، سره له ټولو بد مرغیو دخپل زلمی قنبر ،مرگ زغملی وو .

دیکشنبې ورځ را ورسیده ، د جشن ورځ‌او دمزدورانو دنیکمرغی ورځ(!) علي مراد د خپل ښا یسته لمسی سترگی په رنجو کړې ، خپله‌زنگ وهلې زړه بیاتی یې را وایسته او د ښا یسته ماشوم دسر ویښتان یې دوتی په څیر گرد وسکښتل ، دقنبر دواده د شپې گل سیب د سمال یې را وبوست او په سر یې ور وتاړه بیایی په غیږ کښې واخیست او د ـ کار خانې په لور رهی شو .

خدایه، لکه‌چه رابا ندی نا و خته شویده ، گوره چه نقل یې لانه وی ویشلی ! اوچت اوچت ته ، خو د ـ ځوانی تگ یې نه وو پاتی ، هلك یې دروند شوی‌وو اوسایی سوله .

ماشوم په ټوله لار کښې وخندل او له خو شالی نه یې د خپل نیکه په غیږ کښې تو پونه وهل .

ځای ته را نیږدې شول ، دکارخا نې دننو تلو په لار دوه کتاره وسله وال ژاندارم او پولیس ولاړ وو ، هالته لرې دکار خانې په مینځ کښې دجشن رنگین بیر غو نه رپید ل

د سړك په سینه باندې دگړ ندیو موټرو نو پرله پسی بهیر را روان وو د دروازې په خوله کښې نا آشنا وگړی دریدلی وو او دمیلمنو ټکټو نه یې کتل .

ـ«خدایه دابه څوك‌وی!» علي‌مراد داسړی‌پخوا هیڅکله‌دلته‌نه‌وو لیدلی. دهغو مزدو رانو له جملې نه هیڅوك نه‌ښکا ریدل چه دکار خانه‌یې جوړه کړی وه .نجاران ، خټګران ، مستریان حمالان حتی در یوران او کرین کاران هم‌نه‌لیدل کیده ، دفابریکې ددروازی له خولې نه دانگړ یوه برخه څرگنده ښکار یدله ، هلته ټول د خولیو او دریشیو خا وندان را ټول شوی وو ، دجمعیت د خندا او شور آواز چه دلوډ سپیکر ونو له‌آواز سره یوځای شوی وو تر عمومي سړکه پو ری را رسیده .

علي مراد در وازې ته نیږدې شو خو د دروازې سا تو نکو دهغه مخه ونیو له ،ده نامنو نکی زاری شروع کړی او د دروازې نظم ته‌یې صدمه ورسوله ، د جنتی خلکو دمرا سمو نزاکت، دیو بی ارزښته اوبی‌حیثیت سړی له خوا خراب شو ، د دروازی دساتو نکو حوصله یې تنگه کړه ، سپاپایا نو ته اشاره وشوه ، یوپرېړ تور بخن پو لیس را منډه کړه او علي مراد یې داسې څپیړه ووهه چه لنگو ټی یې یو گز له سره لرې گذارشو ، بل پولیس دشا له خوا وواهه ، او علي مراد خوار کی پرمخې ولویده ، ماشوم لمسی یې له غیږې په ځمکه پریووت اوسخته‌چیغه یې‌له خولې‌راووته. دبیدفاع‌او‌ناامیده‌ مزدور ژبه گونگه شوه او سترگې یې د اوښکو پردو پټی کړې .

هالته لرې د موټرو دپارك شاته شور ځوږ پو رته شو ، څو تنه مزدو ران په منډه دسړك مخې ته را ووتل اوعلي مراد یې له‌خپل لمسي سره دپو لیسو له ډلې او دتشر یفاتو له سیمې نه ویوست . نندار چیان لـه ونو او دسیند دغاړې لـه جگ دیوال نه چه دفابریکې د مراسمو ننداری لپاره یې ختلی وو رانښکته شول او تر علي مراد را وخرخیدل.

سهراب د مزدورانو کړی ما ته کړه ، را ننووت او په‌بیبا که اندازبی وویل :

«کینه ،دلته کینه ،احمقه بوډا !تمامه ورځ به دې مزدوران غولول چه دا فابریکه دتا سی ده .

اوس پوه شوی چه دافا بریکه د ـ چاده ! که نه یې پوه شوی ، یو ځل بیا ورشه چه پوره دې پوه کړی ».

ټولو مز دو رانو وخند ل .

علي مراد لـه غصې نـه ډك سر را پور ته کړ ، کاته یې چه بد خولی اوبې پروا سهراب مخامخ ورته ولاړ دی ، بی کمیسه برکې واسکټ او هماغه پخوانې پیوندي پرتوگ یې اوغوستی‌وو، دتورو سنیو پرتوگانبې یې تر زنگنو پورې را ځوړند او یو خیرن رنگه ټوکر یې تر غاړې راتاو کړی وو ، لویه خوله ، تنگې سترگې او غټه بیره ککړی ، پو لادې مټې او بیباکه آمرانه وزه .

علي مراد وار ، د واره زړه ور او سر کش سهراب وپیژا نده او په ډك ستونی یې دلوموړی ځل لپاره اعتراف وکړ :

ـ « تارښتیا ویل!»

سهراب سخت و خندل او سمدلاسه یې دواسکټ له جیبه یو موټی خیرن نو تان را وایستل او دعلي مراد لمسي ته یې په لمن کښې ور واچول او بیایی علي مراد ته وویل :

ـوعده راکوی چه‌بیا به مزدوران نه غولوی !

ـنه‌به‌یې غولوم ،اوس پوه شوی یم .

سهراب وخندل او په داسې حال کښې چه د علي مراد یتیم لمسي یې پخپل څټ باندې سپور کړ وی ویل.

«ته یوازې دومره ویلای شې چه سهراب زما دلمسي خردی او بس»، ټولو کار گرانو په لوړه وخندل .

ورو سته سهراب په جدي لهجه علي مراد ته‌داخبره تکرار کړ :« دا کار گران هیڅکله مه غولوه ، داسې لار ور وښیه چه دوی پخپله ، خپله دنیا جوړه کاندی ».

علي‌مراد مزدورا نوته مخ‌راواړاوه: ـ«راځئ، راځئ زامنو دکار خانې‌د جشن له سیمې را لرې شوء . دا کار خانه زموږ نده او داجشنو نه د ـ مزدورانو لپاره ندی جوړ شوی» .

سلیمان لائق

از (ص اول)
نگاهی به پلانهای اقتصادی...

تهیهٔ چرم و د ه ها عامل‌ضروری دیگر موجود نبا شد ، اماعلی رغم آن د ر پلان پنجسال سوم افغانستان ارقام زیادی قیدگردیده است که افزایش بزرگی رادر تولیدات صنعتی و زراعتی‌ازسال اول تا اخیر پلان نشان میدهد ، درحالیکه امکانات آن در اوضاع‌واحوال‌موجود ممکن نیست . مثلا در تولید شکر ۳۳٤ فیصد و در تولید روغن‌نباتی ۳۰۵ فیصد افزایش درسال‌اخیر پلان (۱۳۵۰) نسبت بسال اول آن (۱۳٤۵) پیشبینی گردیده است.حالانکه حقایق نشان میدهد که‌موادخام هردو نوع تولیدات طی اینمدت به این تناسب افزایش نخواهدیافت.

ـ یك‌اقتصادپلان شده تناسب صحیح بین قیمت ها و مزد ها را در نظر گرفته و آنرا طوری تنظیم میکند که احتیاجات مردم از ناحیهٔ مواد ضروری بطور روز افزونی تأمین گردد و سطح زندگی آنها ارتقاء نماید . کافی است بگوئیم که‌ازسال اول تااخیر پلان پنجسالهٔ دوم کلیه قیمت‌ها ، بخصوص قیم موادارتزاقی از سه تا چهار مرتبه افزایش یافت درحالیکه در میزان مزد ها و معاشات بخصوص دستمزد کار گران کدام افزودی قابل ملاحظه‌ئی بعمل نیامده است .

ـ اشتراك هرچه وسیعتر مردم در پیشبرد امور اقتصادی ، تشویق کارگران و ایجاد فضای دموکراتیك در ساحهٔ کار و جامعه ، اجرای موفقیت آمیز پلانهارا میسر میسازد. ولی در شرایط کنونی جامعۀ ما مردم از فهم مسایل اقتصادی کشور و اشتراك فعال در آنها دور نگهداشته میشوند . شیوه های استبدادی کار در همه جا معمول بوده و فضای ساحۀ کار و فعالیت اقتصادی عمداً اختناق آور گردیده است .

ـ ادارۀ صحیح امور اقتصادی و بکار بردن پرنسیپ های آن صحیحاً درامر پلانگذاری یکی از ضرورت‌ـ های عینی اقتصاد ملی متوازن وپلان شده میباشد واین امر انتخاب‌درست پرسونل کار آزموده و صادق را در رأس شعبات مختلف امور ادارۀ اقتصادی ایجاب مینماید . ما درینجا سوالی را مطرح مینمائیم که ادارۀ شعب و رشته های مختلف اقتصادی در افغانستان آیا بدست پر سونل صالح و مناسب سپرده شده است؟ پاسخ ساده است : اگر باشد نا در خواهد بود .

ـ در نظر داشتن روابط متقابل پدیده های متنوع اقتصادی و ایجاد همآهنگی بین آنها امری ضروری برای امور پلانگذاری بشمار میرود و اما در افغانستان تاکنون توجه لازم به اینموضوع مبذول نگردیده است. بهمین جهت یکی از عوامل بوجود آمدن سکتگی در کار تطبیق پلان‌ـ های مطروحه همین است ، مثلا در پلانهای اول ، دوم وبیشتر در پلان سوم قسمتی از سر مایه‌ـ گذاری‌ها به سرمایه های داخلی محول گردیده است ، در حالیکه از سوی دیگر پالیسی اقتصادی طوری (ص٤)

محمد سلیم کارگر ،نمایندۀ کارگران‌فا بریکه نساجی پلخمری بعد ازاعتصاب ۱۵ عقرب کار گران خلاف‌قانون توقیف گر دیده است .
(تفصیل خبر در شماره آینده)